روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۲۳ فروردین ۱۳۹۵ • ۳ رجب ۱۴۳۷ • ۱۱ آوریل ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۵۶ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۳ • اذان صبح‌فردا ۵:۰۸ • طلوع آفتاب ۶:۳۵

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

یاد

جان‌سختی موسیقی برخاسته از اعماق خویشتن

عبدالرحمن نجل‌رحیم
عصب‌شناس و عصب‌پژوه

● آلزایمر، بیماری مرموزی است که آرام‌آرام چون موریانه هویت انسان را می‌جود و ذهن را خالی از هر محتوایی می‌کند. اما این بیماری مغزی با وجود تمامی قدرت تخریبی مهیب خود در پاک‌کردن همه آثار قوه شناختی انسان، گاه از نفس می‌افتد. یعنی بیماری تا جایی که می‌تواند پیش می‌رود و خود را به عمیق‌ترین لایه‌های آثار هویتی و خویشتن یک انسان می‌رساند و در آنجا با مقاومت اساسی‌تری روبه‌رو می‌شود. «جواد لشگری» یکی از این نمونه‌هایی بود که من شاهد مبارزه جانانه‌اش با بیماری برای حفظ هویت موسیقایی‌اش تا واپسین لحظات زندگی بوده‌ام. سال‌ها بود که «جواد لشگری»، آهنگ‌ساز، نوازنده و خواننده موسیقی بنام ایرانی، با بیماری آلزایمر دست‌وپنجه نرم می‌کرد، اما مقاومت نشان می‌داد و موسیقی همچنان همدم بی‌چون‌وچرایش بود. او با سرخوشی و بی‌اعتنایی در مقابل هیبت ترسناک بیماری، قهقهه سر می‌داد و ساز دستش می‌گرفت و می‌نواخت و می‌خواند. اما آلزایمر دست‌بردار نبود، کمااینکه بیماری در انتها توان به‌خاطرآوری ناآگاه نواخت کنشی و آوای کلامی یک ملودی کامل از یک آهنگ سال‌ها با او مانده را هم از او گرفت. ولی آن‌گاه که او حتی از کارهای ابتدایی خود نیز بازمانده بود و به نظر می‌رسید که خویشتنی از او باقی نمانده باشد، ولی هنوز خنده‌ای تلخ بر لب داشت و همچنان با نشاط و لذتی عمیق و هیجانی زایدالوصف ملودی‌های نیمه‌کاره و پاره‌پاره را به‌طور مکرر زیر لب زمزمه می‌کرد و دستانش را به هوای زدن ساز تا جایی که حافظه حرکتی‌اش اجازه می‌داد به حرکت درمی‌آورد. او به این تلاش تکراری تا زمانی که بیدار بود و توانی در بدن داشت، لجوجانه و سرسختانه ادامه می‌داد که گاه به نظر دهن‌کنجی نیشدار و طعنه‌آمیزی به بیماری پیش‌رونده‌اش، می‌آمد. کار او خلاصه شده بود به تکرار خستگی‌ناپذیر ملودی‌های نیمه‌تمام و ناقصی که زیر لب زمزمه می‌کرد و با دستان بدون ساز و آرشه‌اش همراهی‌اش می‌کرد. گویی موسیقی چنان در تن و جانش رخنه کرده بود که تا واپسین نفس‌های زندگی همراه او بود و بیماری را توان حمله به این عمیق‌ترین لایه خویشتن او، یعنی موسیقی تبدیل به زیست هستی‌مندشده و نابودی آن، نبود. یادش گرامی باد!

کارتون خواب

علی رومانی
aliromani84@gmail.com

متخلفان تشریح خرگوش زنده در همدان تعلیق شدند

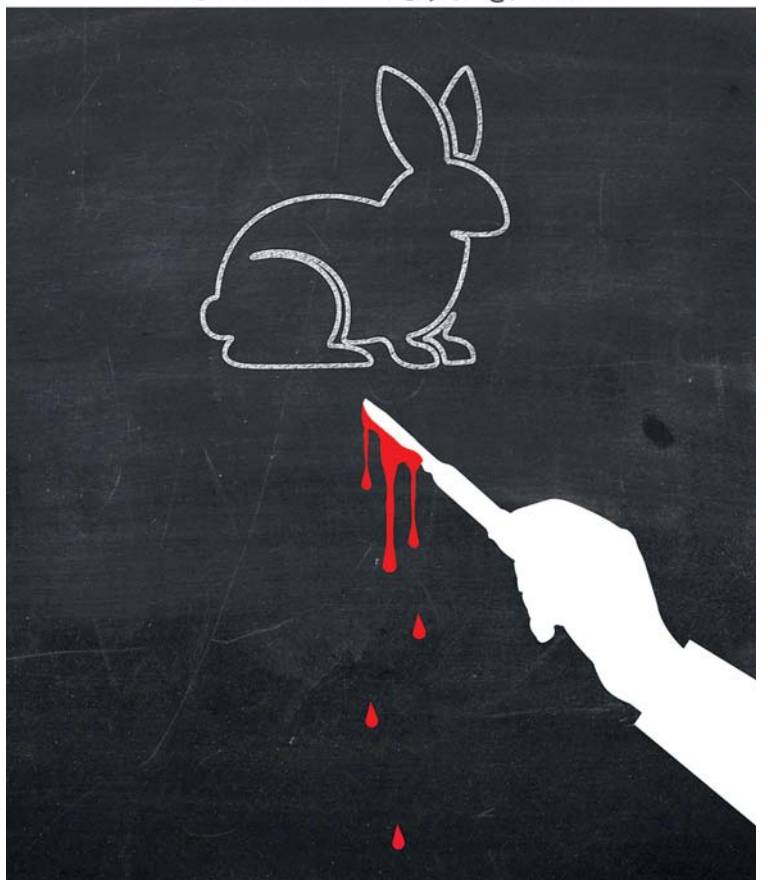

وصف حال

حافظ و نگهدارنده پدر

محمودرضا بهمن‌پور

روزهای پرهیجان نیمه دوم اسفندماه هیجانی مضاعف را برای بهمن کیارستمی داشت. آغاز یک عمل جراحی ساده که بنا بر گفته‌های شوخی و جدی عباس کیارستمی پس از چندروز انجام می‌شد و به پایان می‌رسید و باز او در کنار دستیارش به کارهای ساخت فیلم‌های کوتاه می‌پرداخت. غافل از آنکه توفانی در راه بود و ساحل آرامشی که در هفته اول عمل به نظر دیده شده بود، به دریایی پرخروش و بی‌ساحل امن مبدل می‌شد. همه آنان که از دور و نزدیک در فضای سخت و سنگین روزهای آرام هفته اول عید به کارهای خود مشغول بودند و گوشه ذهنشان گاه پردغدغه و گاه گذرا به خطرات مداوای عباس کیارستمی فکر می‌کردند به‌دلیل حضور بهمن کیارستمی آسوده‌خاطر بودند.

اما چه کسی می‌داند در درون بهمن در شب‌ها و روزهایی که او بیشترین حضور را در کنار عباس کیارستمی داشت چه گذشته است. اگر برای همه عاشقان و علاقه‌مندان، او یک فیلم‌ساز بزرگ جهانی یا یک دوست بود برای بهمن کیارستمی اینها بخش مهم ماجرا نبود اینک بهمن در برابر پدر نقشی حافظ و نگهدارنده داشت. بهمن کیارستمی برای اداره روزهای بحرانی پدر چنان خردمندانه عمل کرد که آنان که شتاب‌زده تندی‌های ناگزیرش را قضاوت کرده بودند اینک می‌بایست در پیشگاه او سر فرود آورند.

ناگزیرم اعتراف کنم که بهمن با وجود همه دوستانی که عباس کیارستمی داشته و دارد، یک‌تنه و بزرگ‌منشانه بحران پی‌درپی پدر را ناظر بود و بی‌هیچ تزلزلی ساحل آرامش را در پیش مرد بزرگ سینمای جهان قرار داد. هیچ‌کس نمی‌داند جهان درونی بهمن کیارستمی چه لحظاتی را پشت‌سر گذاشت، اما تردید نباید کرد که او تنها کسی بود که قدرت تحمل رنج‌های یک ماه گذشته را داشت. لابد در تنهایی خود گریسته است. لابد لحظه‌های ناامیدی عمیقی را پشت‌سر گذاشته است، لابد خود را در این جهان پرالتهاب و ویران‌کننده تنها دیده است و خیلی چیزهایی که تا ابد بر ما نامکشوف خواهد ماند اما او در نقشی فراتر از یک فرزند همه این رنج را تحمل کرد. در این روزهای خوب که خبرهای امیدوارکننده از حال خوش پدر می‌رسد آرزویم این است که روزی نه‌چندان‌دور در پیشگاه پدر دستان بهمن کیارستمی را ببوسم؛ دستان فرزندی که همانند سیاوش از بوته آزمایش این جهان سخت فاتحانه بیرون آمد.

بهارانه

تداوم امید با تعقل‌گرایی

فاطمه راکعی

دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ با مردم عهدی بسته است که تاکنون به بخش‌های مهمی از آن وفا کرده. تحقق سایر وعده‌های رئیس‌جمهور در عرصه اقتصاد و سیاست داخلی باید در سال جدید در اولویت دولت قرار گیرد، زیرا از دکتر حسن روحانی، به‌عنوان یک حقوق‌دان، انتظار می‌رود از آرای مردم و حقوق ملت که با رأی خود تحولی بزرگ را در کشور رقم زدند، دفاع کند. دولت به‌عنوان قوه مجریه ابزارهای لازم برای دفاع از آرای مردم را نیز داراست. اگرچه محدودیت‌هایی که در این راه وجود دارد نیز مشخص است. برای مثال در حوزه اقتصاد، با وجود خالی‌شدن خزانه کشور در دولت قبل و دست‌درازی‌هایی که به بیت‌المال در طول آن هشت سال صورت گرفته، می‌توان درک کرد دولت در مدتی که از عمرش می‌گذرد تمام وقتش را صرف مبارزه با این مفاسد اقتصادی کرده است. این مهم اگرچه قابل تقدیر است اما بهبود معیشت مردم از طریق ایجاد رونق اقتصادی، از چنان اهمیتی برخوردار است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و باید در اولویت‌های امسال دولت باشد. در همین زمینه، ایجاد اشتغال، کارآفرینی، تهیه مسکن و رفع سایر نیازمندی‌های مردم و به‌ویژه نسل جوان امسال باید تسریع شود. موفقیت دولت در زمینه حل مسئله هسته‌ای در سال گذشته که باعث اعتباربخشی به ایران در عرصه بین‌المللی شده، خود می‌تواند فرصتی باشد برای حل معضلات اقتصادی و معیشتی. از سوی دیگر، مردم به دولت تدبیر و امید، امیدوار هستند. آنها امیدوارند این دولت با تعقل و خردگرایی بتواند آرامش و امنیت را برای آنها رقم بزند. همین امید که شعار اصلاحات است، بود که در سال گذشته باعث شد غالب مردم به فهرست‌های امید در سرتاسر کشور رأی دهند. مردم با امید به اینکه گفتمان تفکر، مفاهمه و صلح جایگزین هتاکی، خشونت و افراط‌گرایی شود، نمایندگان مورد حمایت اصلاح‌طلبان و اعتدالیون را به مجلس فرستادند تا مجلس هم به دور از سیاست‌بازی‌های افراطی در کنار دولت و در کمال آرامش بتواند انتظارات آنها را برآورده کند. مجلسی که دغدغه‌های ملی اولویت آن باشد و در این راستا قوانینی را برای پیشرفت کشور و حاکم‌شدن ضوابطی که توسعه پایدار را رقم می‌زند تنظیم کند. نمایندگان ملت از همه جناح‌ها، چه اصلاح‌طلب، چه اصولگرا و چه اعتدال‌گرا اگر به کمک دولت بیایند، با هماهنگی و انسجام، توقعات مردم پاسخ گفته خواهد شد؛ توقعاتی نظیر رفع مسائل معیشتی در عرصه اقتصاد و در عرصه سیاست داخلی.

کافه نظر

آیا برگزاری دادگاه می‌تواند متضمن مفهوم عدالت در افکار عمومی باشد؟

سعید برآبادی: دادگاه‌های فراوانی در حال برگزاری است؛ دادگاه‌هایی برای مجرمان اقتصادی، سیاسی و... . متهمان بسیاری هم هستند که در صف انتظارند یا به هر دلیل، جامعه خواستار روشن‌شدن تکلیف آنها از طریق قانون است. اما سؤالی که این روزها در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان گفت، برگزاری دادگاه، به اذهان عمومی مردم این امکان را می‌دهد که اجرای مفهوم عدالت را بیشتر در جامعه احساس کنند؟

عباس عبدی ◄ تحلیلگر و فعال سیاسی

برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید بدانیم مفهوم عدالت چیست و آیا اجرای قانون می‌تواند متضمن عدالت مطابق باور عمومی باشد یا خیر؟ آیا برگزاری دادگاه به عنوان بخش مهمی از اجرای قانون، منطبق با قانون و منصفانه خواهد بود؟ یا در مفهومی کلی‌تر، قانون از اساس مطابق قواعد عادلانه تدوین شده یا نه؟ با وجود دو شرط، رسیدگی دادگاه منجر به تحقق عدالت خواهد شد: اول اینکه قانون عادلانه و دوم اینکه رسیدگی دادگاه منصفانه باشد؛ بنابراین اگر دادگاه عادلانه برگزار شود، اما براساس قانونی نادرست باشد، یا قانون عادلانه ولی دادگاه غیرمنصفانه باشد، در این دو حالت نمی‌توان از افکار و اذهان عمومی این توقع را داشت که برگزاری دادگاه در هر دو شرایط یادشده را محققکننده عدالت بدانند. اما شاید راهکار اساسی که دراین‌میان به نظر می‌رسد، توجه به کارکرد جنبی دادگاه است؛ دادگاه جایی است برای حمله علیه متهم و دفاع او از خودش. در بسیاری از کشورهای دنیا، برگزاری دادگاه‌های علنی، کمک کرده است به درک درست‌تر از مفهوم عدالت و رسیدگی منصفانه‌تر و طبعا، احساس رضایت عمومی در موضوع اجرای عدالت. به‌هرحال دادگاه علنی، یک دیدگاه پیشرو در جهان است و این امکان را به مردم می‌دهد که خودشان قضاوت‌کننده اصلی باشند و در چنین حالتی به نظر می‌رسد می‌توان برگزاری دادگاه علنی را تأمین‌کننده بخشی از مفهوم عدالت در اذهان عمومی دانست.

نعمت احمدی ◄ حقوق‌دان

در گام اول می‌توان درباره متهمان هر حوزه‌ای، اقدامات پیشگیرانه انجام داد، اقداماتی نظیر بازداشت، ممنوعیت خروج از کشور و... اما این ممنوعیت‌ها نمی‌توانند ادامه‌دار باشند و باید روزی به آنها این اجازه را بدهیم که در دادگاهی حرف‌های خود را بزنند. ادامه محدودیت‌ها برای متهمان می‌تواند جایگاه آنها را از متهم به مظلوم تغییر دهد و در ذهن اذهان عمومی، شمایل دیگری بیابد؛ بنابراین در چارچوب قانون اساسی، برخورد با متهمان از مجرای دادگاه تعیین شده تا او و جامعه بدانند چطور اتهامات به جرائم تبدیل و مجازات جرائم تعیین می‌شود. اما اگر متهمی نداند اتهامش چیست، هم‌زمان جامعه هم در یک انتظار به سر می‌برد و به همین خاطر است که برگزاری دادگاه می‌تواند چشم و گوش جامعه را درباره اعمال مجازات‌های قانونی هر جرمی باز کند. برگزاری دادگاه در ساده‌ترین حالت خود می‌تواند این پیام را برای جامعه داشته باشد که هیچ فردی در قانون از حاشیه امن برخوردار نیست و اگر در معرض اتهامی قرار بگیرد که در دادگاه به اثبات برسد، باید مجازات پیش‌بینی‌شده در قانون را تحمل کند.

عبدالله ناصری ◄ عضو بنیاد باران

برگزاری یک دادگاه عادلانه به اذهان عمومی کمک می کند که قضاوتی که از مجرای قانون مطرح شده را مورد ارزیابی قرار دهند اما اینکه جامعه ما براساس دریافت و درکی که از قانون و مفهوم عدالت دارد تا چه میزان می‌تواند برگزاری دادگاه را اجرای عدالت بداند، بحث دیگری است. به طور کلی در دنیا متداول است که وقتی کوچک‌ترین مدعی‌ای برای موضوعی خاص در میان باشد، قرارگرفتن روند بررسی در اختیار قوه قضائیه و برگزاری دادگاه راه‌حلی اصولی است؛ این دادگاه‌ها براساس نوع اتهام و حوزه اتهام متفاوت خواهند بود؛ مثلا در دادگاه متهمان اقتصادی، هیأت منصفه و کارشناسان اقتصادی حضور پیدا می‌کنند یا در دادگاه‌های سیاسی که به صورت علنی برگزار می‌شوند، نقش هیأت منصفه نقش پررنگی است.

همین حوالی

وقتی مردان برای زنان نقش تعریف می‌کنند

مریم حسینی: ماجرای غریبی شده است، کافی است یک دور در شهر یا شبکه‌های مجازی بزنید.از عکس‌ها و سوءاستفاده از چهره و علاقه‌مندی‌های زنانه نمی‌خواهم بگویم، از نقشی که مردان می‌خواهند برای زنان تعریف کنند، می‌گویم، از همین پوسترهایی که از سوی نهادها برای حمایت و هدایت زنان تعریف می‌کنند. همین جمعه جمله مشهوری به نقل از یکی از روحانیون مطرح شد «بدحجابی از اختلاس بدتر است»؛ با این استدلال که بدحجابی جامعه را به خطر می‌اندازد و اختلاس یک عده را. روزشنبه سخن یکی از پزشکان صاحب سمت که گفته بود: «تعداد زنان با صورت‌های عروسکی زیاد شده است» و همچنین پوستر «بهشت زیرپای مادران است نه کارمندان»، و روز دوشنبه هم فارس خبرداده: «بدحجابانی که پیش‌تر روسری خود را هنگام رانندگی روی شانه می‌انداختند و هنگام مواجهه با مأموران انتظامی آن را روی سر می‌کشیدند، این روزها شیوه‌ای یافته‌اند تا دیگر نیازی به روسری نداشته باشند، کوتاه‌کردن موهای سر به اندازه موهای مردان و پسران راهکاری شده تا کمتر شخصی بتواند زن یا مردبودن رانندگان را تشخیص دهد». و این شعاری که برای اولین ماراتن مردانه ایران با تأکید بر اینکه «بدون حضور زنان» برگزار می‌شود: «مردهای واقعی ایران را اداره می‌کنند».نمی‌خواهیم شعار دهیم که زنان ایران در دنیا از جایگاه بااهمیتی برخوردار هستند، تعداد کارگردانان زن ایران کم نیستند یا اهمیت و جایگاه زنان قابل توجه است. شاید همه اینها فقط نظرات یک مدیر مرد باشد نه یک نهاد. فقط می‌خواهیم درنظر داشته باشیم کاش به زنان اعتماد بیشتری می‌شد. کاش اگر قرار است پوستری برای زنان طراحی شود از کمک زنان هنرمند هم استفاده شود. کاش برای انتخاب شعارها کمی به این نکته‌ها توجه شود.